

بررسی تأثیر اخلاق حرفه ای و امنیت حقوقی بر سرمایه گذاران خارجی در ایران

بهرام تقی پور^۱

مهدی عباسی سمرمدی^۲

رضا آقاعباسی^۳

چکیده

در سال‌های اخیر، سرمایه گذاری خارجی به عنوان یک صنعت جذاب، پویا، درآمدزا و اثربخش خود را در جهان مطرح ساخته است. یکی از عواملی که سبب توسعه پایدار این صنعت شده، اخلاق حرفه ای و احساس امنیت حقوقی در نزد سرمایه گذاران خارجی است. میانگین اخلاق و احساس امنیت حقوقی سرمایه گذاران خارجی در ایران تا حدی پایین تر از مقدار متوسط است. ایران در بعد اخلاق و امنیت روانی با موانع قانونی همچون نارسایی‌های قوانین کیفری، محدودیت‌های قانون تشویق و حمایت سرمایه‌های خارجی، سرمایه‌گذاری خارجی مواجه است بنابراین در پایان این نوشتار راهکارهایی برای رفع برخی از موانع حقوقی و تأثیر ایجاد اخلاق و احساس امنیت حقوقی سرمایه خارجی پیشنهاد شده است تا از این طریق امنیت اخلاقی و روانی سرمایه گذاران خارجی و انگیزه برای سرمایه گذاری در ایران فراهم شود.

واژگان کلیدی

اخلاق، امنیت حقوقی، سرمایه گذاران خارجی، امنیت روانی

۱ - استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران: نویسنده مسئول

Taghipour.bahram@yahoo.fr

۲ - دانشیار عضو هیات علمی دانشگاه خوارزمی، بخش حقوق، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

Ma.sarmadi@yahoo.com

۳- دانشجو دکترا فقه و حقوق خصوصی، پردیس بین الملل، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

std_rezaaghaabasi@khu.ac.ir

طرح مسأله

سرمایه‌گذاری خارجی، ارائه‌کننده‌الگوهای جدیدی است که این الگو می‌تواند ویژگی‌های شخصی و فضای زندگی مردم را تغییر دهد و ساماندهی نماید؛ کشور ایران دارای جاذبه‌های سرمایه‌گذاری فراوان و منحصر به فردی است. یکی از مهمترین مسائلی که در وجهه بین‌المللی ایران تأثیر منفی داشته و متعاقباً جذب سرمایه‌گذار خارجی را تحت تأثیر قرار داده است، تبلیغات منفی در زمینه عدم وجود امنیت برای آن‌ها در این کشور است این مسئله باعث شده کشور ایران به عنوان یکی از مقاصد سرمایه‌گذاری با پتانسیل بسیار بالا، در مقایسه با سایر کشورهای جاذب سرمایه‌گذاری، وضعیت رضایت بخشی نداشته باشد. براساس بررسی‌های به عمل آمده ثابت شده سیاست ایران در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی در سطح جهانی ضعیف بوده و پدیده جهانی شدن، این ضعف، را نمایان تر ساخته است. یکی از مهم‌ترین مشکلات موجود در این زمینه فقدان امنیت حقوقی سرمایه‌گذاران خارجی و عدم آشنایی مسئولین کشورمان با اخلاق حرفه‌ای در ایران است. سرمایه و امنیت لازم و ملزوم یکدیگرند. نمی‌توان سرمایه را بدون امنیت درک کرد. به خاطر همین امر، صاحبان سرمایه در طول تاریخ از طرفداران جدی امنیت بوده‌اند و سرمایه خود را از مناطق پرآشوب و بحران‌زا به محیط امن و آرام انتقال می‌دادند؛ بنابراین، می‌توان گفت که سرمایه و سرمایه‌گذاری همزاد و قرین امنیت است و رشد سرمایه‌گذاری به مفهوم مولد آن با اطمینان خاطر سرمایه‌گذار ملازمه تنگاتنگی دارد. از سوی دیگر، ارتباط نزدیکی بین اخلاق، امنیت سرمایه و توسعه وجود دارد. اخلاق حرفه‌ای همراه با امنیت سرمایه‌گذاری، باعث توسعه سرمایه‌گذاری شده و آن منطقه از میزان توسعه یافتگی بالایی برخوردار شده است. اخلاق حرفه‌ای توأم با امنیت حقوقی سرمایه‌گذاری در همه کشورها به عنوان مهمترین عامل توسعه در زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی بشمار می‌رود؛ از این رو تامین امنیت حقوقی در این بخش نقش بسیار مهمی را در شکوفایی اقتصادی ایفا می‌کند. صاحبان سرمایه خواستار این هستند که در محیطی امن و آرام به فعالیت‌های اقتصادی بپردازند، بنابراین باید به شاخص‌های تامین و ثبات امنیت در بخش‌های مختلف اقتصادی به طور جدی توجه کرد.

بدون وجود امنیت هیچ برنامه‌ای در داخل کشور قابل اجرا نیست. شکوفایی اقتصادی، سرمایه‌گذاری، برنامه‌ریزی و هر فعالیت اجتماعی دیگر به حداقل زمینه مطمئن و آرام نیاز دارد که همان امنیت است. وجود امنیت بالفعل در هر جامعه، احساس امنیت را در افراد آن جامعه بوجود می‌آورد. بنابراین امنیت عملاً در زمره اهداف و ارزش‌های اصولی و لازمه هر جامعه‌ای قرار می‌گیرد. پس می‌توان گفت که امنیت علاوه بر این که یک نیاز برای انسان‌ها است، عامل بسیار مهمی در پیشرفت و توسعه هر کشوری است. زمینه‌های مختلف توسعه

اقتصادی، فرهنگی و ... مستلزم وجود احساس امنیت در ابعاد مختلف فردی، اجتماعی و ملی است. در مقابل این امر، احساس ناامنی سرچشمه بسیاری از گرفتاری‌ها و نابسامانی‌هاست و نارضایتی عمومی و سایر ناهنجاری‌های پدید آمده اجتماعی به نوعی با احساس ناامنی اجتماعی در ارتباط است. امروزه بیش از همه، ضرورت طراحی جامعه‌ای امن بر امنیت پایه‌های روابط و مناسبات سازگار، جز در سایه باور به این اصل که امنیت رفیع‌ترین ارزش یک جامعه است، ممکن نیست.

از سوی دیگر مفهوم اخلاق حرفه‌ای و جایگاه آن در برنامه‌های توسعه اجتماعی و سرمایه‌گذاری اقتصادی بر کسی پوشیده نیست. مفهومی است که هیچ‌کس نسبت به اصالت و حقانیت آن تردیدی ندارد و دستیابی به آن، به عنوان یکی از اساسی‌ترین اصول نظام‌های اجتماعی، طی دوره‌های مختلف حیات فکری و اجتماعی بشر مطرح بوده است. در واقع نمی‌توان بدون تحقق اخلاق حرفه‌ای به امنیت اقتصادی و امنیت روانی سرمایه‌گذاران امیدوار بود. بدون توجه به تحقق اصول اخلاقی در جامعه، رشد و ترقی اقتصادی قابل تصور نخواهد بود. در همین راستا برنامه‌های توسعه همزاد و قرین نسبت به رابطه اخلاق و رشد اقتصادی، امنیت سرمایه‌گذاری و حفظ امنیت سرمایه‌گذاران همراه بوده است. تجربه سال‌های متمادی باعث شده در شرایط کنونی، نسبت اخلاق حرفه‌ای و توسعه سرمایه‌گذاری در قالب رابطه‌های ارگانیک تبیین شده و شرایط عادلانه جزء متغیرهای تعیین‌کننده عملکرد اقتصادی محسوب شود. در مجموع باید گفت که اخلاق، امنیت حقوقی، سرمایه و سرمایه‌گذار می‌آورد و سرمایه و سرمایه‌گذار باعث توسعه شده و میزان آسیب‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و انتظامی را کاهش می‌دهد.

با مروری بر تحقیقات انجام شده مشخص می‌شود که توجه جدی به مسئله اخلاق حرفه‌ای و امنیت روانی سرمایه‌گذاران، از سوی تحقیقات انجام شده در حوزه سرمایه‌گذاری صورت نگرفته است. بنابراین، در تحقیق حاضر امنیت حقوقی سرمایه‌گذاران یکی از متغیرهای کلیدی و اصلی تحقیق می‌باشد. در این پژوهش کوشش بر این است که با پاسخ‌گویی به سؤالات زیر، میزان امنیت حقوقی سرمایه‌گذاران و تأثیر اخلاق بر آن در بین سرمایه‌گذاران خارجی بررسی شده و راهکارهای لازم در جهت افزایش امنیت حقوقی سرمایه‌گذاران ارائه گردد.

در این تحقیق درصدد پاسخ به این سؤالات هستیم، میزان امنیت حقوقی در بین سرمایه‌گذاران خارجی در ایران تا چه حد است؟ اصول اخلاقی و ابعاد آن تا چه حد بر میزان امنیت حقوقی سرمایه‌گذاران خارجی تأثیرگذار هستند؟ در همین راستا فرضیات ذیل محقق می‌شود که با افزایش اصول اخلاقی، امنیت حقوقی سرمایه‌گذاران افزایش پیدا می‌کند و همچنین شفافیت مؤلفه‌های حمایتی زمینه‌های افزایش و ضریب امنیت سرمایه‌گذاری را تسهیل خواهد

نمود. در همین راستا بهترین کار این است ابتدا موانع جذب سرمایه‌گذاری خارجی از بعد حقوقی را بررسی کنیم و سپس در جهت رفع این موانع برآمدها با ایجاد تضمینات کافی و فضایی مناسب برای سرمایه‌گذاری، اطمینان خاطر لازم را در ذهن سرمایه‌گذار فراهم نماییم.

۱- فقدان امنیت امنیت حقوقی سرمایه‌گذاران خارجی

احساس امنیت به احساس رهایی انسان از اضطراب، بیم و خطر اطلاق می‌شود. در واقع زمانی که فرد احساس کند در جامعه و تعاملات اجتماعی خطری جان، مال یا سلامتی وی را مورد تهدید و تعرض قرار نمی‌دهد، می‌توان گفت فرد دارای احساس امنیت است. برای اندازه‌گیری امنیت روانی سرمایه‌گذار از گویه‌های زیراستفاده می‌شود. سرخورده و مأیوس بودن حتی سرمایه‌گذاران، عدم اطمینان به آینده، این روزها آدم نمی‌داند واقعاً روی چه کسی حساب کند، بیهوده بودن زندگی، غیر قابل پیش بین بودن آینده، نبود قاعده و قانون مشخصی در زندگی، عدم پایبندی به اصول اخلاقی، تلاش من تأثیری در سرنوشت جامعه ندارد، در جامعه ما حرف اول و آخر را پول و پارتی می‌زند، بیزاری از زندگی، عدم هدفمندی در زندگی، احساس بی‌قدرتی و غیره. عدالت اجتماعی یکی از عوامل اصلی در جذب نخبگان اقتصادی در فرایند توسعه است.

عوامل مختلفی بر امنیت روانی سرمایه‌گذاران تأثیر گذار هستند. برخی از این عوامل، بنیادی و ریشه در فرهنگ و یا ساختار سیاسی کشور دارند و برخی دیگر، به رویکرد اقتصادی دولت در اجرای عدالت در حمایت و تضمین امنیت سرمایه‌گذاران مربوط می‌شوند. موانع فرهنگی، اجتماعی، عدم تعریف مناسب قانون و امنیت در تولید و توزیع، وجود رقابت‌های نابرابر، وضعیت مالکیت خصوصی، طرز رفتار و پذیرش محلی، تکریم سرمایه‌دار، ذهنیت‌های منفی نسبت به سرمایه‌گذار، عملکرد نامناسب نهادهای دولتی، نظیر بوروکراسی‌های گسترده، رفتارهای تبعیض آمیز، برخوردهای سلیقه‌ای، بی‌ثباتی قوانین، عدم هماهنگی نهادها در اجرای سیاست‌ها، عدم ارائه آیین‌نامه‌ها و تسهیلات در زمان مقرر به سرمایه‌گذاران، عدم ارائه اطلاعات برحسب مکان و محیط سرمایه‌گذاری یکسان، عملکرد نهادهای انتفاعی دولتی نیز می‌توانند موجب افزایش عدم اطمینان و اعتماد در سرمایه‌گذاری و نارضایتی سرمایه‌گذاران شوند و این عوامل می‌توانند امنیت روانی سرمایه‌گذاران را سلب نمایند. (حیدری پور، ۱۳۹۱: ۱۸۲)

۱-۱ مقررات کیفری ناظر بر اتباع خارجی

از مواردی که مانع ایجاد اصول اخلاقی و در نهایت فقدان امنیت روانی و حقوقی سرمایه‌گذاران خارجی در ایران می‌شود، وجود قوانینی است که باعث ایجاد محدودیت سرمایه‌گذاران در ایران می‌شود. مقررات مرتبط به سرمایه‌گذاری خارجی در حقوق ایران به‌طور خاص شرکت‌های خارجی را مخاطب قرار نمی‌دهد بلکه بر اشخاص نیز حاکم است. ایجاد آرامش خاطر و امنیت کامل سرمایه‌گذار در جهت تسهیل و اشتیاق سرمایه‌گذاری اهمیت فراوانی دارد. کشور ما دارای قوانین و مقرراتی است که محدودیت‌های جدی در راه جذب سرمایه‌گذاری خارجی ایجاد کرده است از جمله این قوانین باید به مقررات کیفری اشاره کرد. بخشی از این قوانین و مقررات مرتبط با سرمایه‌گذاری، مقررات کیفری ناظر بر اتباع بیگانه است که بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران تأثیر می‌گذارد.

یکی از مواردی که می‌تواند به‌عنوان مانع یا حداقل محدودیت مطرح شود بحث اجرای احکام شرعی در ارتباط با مجازات کیفری است. از نظر سرمایه‌گذار خارجی اجرای احکام اسلامی می‌تواند به‌عنوان یک نوع محدودیت قلمداد شود. سرمایه‌گذار خارجی وقتی قصد سرمایه‌گذاری در ایران را داشته باشد با یکسری قوانین و مقررات حقوقی که باعث سلب اعتماد و اطمینان آنان در کشور میزبان می‌شود روبرو خواهد شد. هرچند که هدف اصلی سرمایه‌گذار از سرمایه‌گذاری در کشور میزبان، تأمین سود بیشتر است اما این در صورتی است که سرمایه‌گذار خارجی از امنیت کافی و اطمینان کامل در خصوص مراعات حقوق انسانی برخوردار باشد و قوانین سرزمین سرمایه‌پذیر مناسب باشد و مساوات را به همراه داشته باشد. به‌عنوان مثال وقتی که سرمایه‌گذار خارجی می‌بیند اگر به دست یک ایرانی کشته شود، قانون مجازات ما در خصوص پرداخت دیه قائل به تفاوت است، این خود باعث نگرانی و ایجاد ذهنیت منفی در این زمینه می‌شود یا اینکه در رابطه با آزادی‌هایی که در کشور خویش داشته، در اینجا با محدودیت‌هایی مواجه می‌شود، در این صورت دیگر انگیزه و تمایلی برای سرمایه‌گذاری در ایران نخواهد داشت.

۱-۱-۱ دیه

دیه مالی است که پرداخت آن به سبب قتل یا وقوع جنایت بر عضو بر عهده جانی یا قائم‌مقام او است و باید آن را به مجنی علیه یا ولی او اداء کند. قانون مجازات اسلامی در ماده (۱۷) دیه را تعریف نموده است: (دیه اعم از مقدر و غیر مقدر، مالی است که در شرع مقدس برای ایراد جنایت غیر عمدی بر نفس، اعضاء و منافع یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد به موجب قانون مقرر می‌شود). در ماده (۴۴۸) نیز دیه چنین تعریف شده است: (دیه مقدر، مالی معینی است که در شرع مقدس به سبب جنایت غیر عمدی بر نفس، عضو یا منفعت یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد، مقرر شده است).

دیه اهل ذمه نیز خواه یهودی باشند، خواه نصرانی یا مجوسی هشتصد درهم بود که برابر هشتصد دیه مسلمان بود و دیه زنان ایشان نصف آن است. در پاره‌ای از روایات آمده است که دیه یهودی و نصرانی و مجوسی همان دیه مسلمان است و در برخی از روایات، دیه یهودی و نصرانی چهار هزار درهم تعیین شده است. شیخ طوسی این دودسته از روایات را بر مواردی حمل کرده است که قاتل عادت به قتل اهل ذمه داشته باشد. از این جهت امام دیه را به میزانی که صلاح بداند تغلیظ می‌کند تا جرأت این کار از بین برود. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۰، شماره ۲۸) اما بعضی از روایات، دیه اهل ذمه را چهار هزار درهم (دوپنجم دیه مسلمان) شمرده و بعضی دیگر برابر دیه مسلمان قرار داده است. (گرچی، ۱۳۸۰، صص ۷۸-۷۶) در کتاب شرایع پس از ذکر اهل ذمه و اشاره به روایت چهار هزار درهم آمده است که جز اهل ذمه، کفار دیگر دیه‌ای ندارند، خواه حربیان و خواه کسانی که با مسلمانان پیمانی بسته‌اند. (همان، صص ۷۷-۷۶)

شافعی مقدار دیه اهل کتاب را ثلث دیه مسلمان‌ها می‌داند. از فقهاء ابوحنیفه و اصحابش نیز دیه اینان را برابر دیه مسلمانان دانسته‌اند، اما احمد بن حنبل می‌گوید که اگر قتل عمدی باشد دیه اهل کتاب با مسلمان برابر است و در صورت خطئی بودن جنایت مقدار دیه آنان نصف دیه مسلمان خواهد بود.

تا اینجا بحث درباره دیه در خصوص یهودی و مسیحی بود اما در مورد دیه مجوسی، مالکی و شافعی همه صحابه بر عقیده‌اند که دیه او هشتصد درهم است. لیکن ابوحنیفه می‌گوید که دیه مجوسی بادیه مسلمان برابر است. دیه زنان اهل ذمه نصف دیه مردان آن‌ها است. از امام صادق نیز در مورد قتل ذمی توسط مسلمان پرسیده شده است. ایشان فرمودند: مردم آن را تحمل نخواهند کرد؛ بنابراین باید به اولیای او دیه فرد مسلمان پرداخت شود تا از کشتن مردم و کشتن اهل ذمه جلوگیری شود. سپس امام فرمود: اگر مسلمانی بر یک ذمی خشم گیرد و بخواهد او را بکشد و زمینش را بستاند و به اولیای او هشتصد درهم بپردازد، در این صورت کشتن اهل ذمه و کشتن‌گان به ناحق آنان فراوان خواهند شد. از این رو بر مسلمان حرام است که به ناروا ذمی را به قتل برساند.

به استناد همین روایت، شیخ طوسی گفته است: هرگاه قاتل عادت به قتل اهل ذمه داشته باشد، امام می‌تواند به صلاحدید خود، قاتل را به پرداخت دیه کامل مسلمان یا پرداخت چهار هزار درهم ملزم کند؛ اما نسبت به کسی که به ندرت مرتکب قتل ذمی شده، بیش از هشتصد درهم بر او نخواهد بود؛ (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۰، صص ۳۲) اما آنچه در قانون مجازات اسلامی آمده به این صورت است که در قانون سابق بدون اینکه صراحتاً به تفاوت دیه مسلمانان یا غیرمسلمان بپردازد، در ماده (۲۹۷) در مقام تعیین دیه قتل قید (مرد مسلمان) را ذکر کرده بود که منظور از مسلمان پیروان هر یک از فرق اسلامی بود، مگر کسانی که محکوم به کفر هستند مثل ناصبی‌ها،

غلاه و خوارج. با توجه به سکوت در مورد میزان دیه غیرمسلمان، قضات در موارد پیش آمده به نظر معتبر فقهی رأی به دیه هشتصد درهم می‌دادند؛ اما یقیناً این امر مشکلاتی را به‌ویژه از لحاظ تعهد بین‌المللی دولت‌ها برای رعایت موازین حقوق بشر بین‌المللی برای کشور پیش می‌آورد. مخصوصاً از آنجاکه دربند ((ز)) ماده (۲۲) اعلامیه قاهره بدین امر توجه شده و صراحتاً به حقوق اقلیت توجه پرداخته است: (برانگیختن احساسات قومی یا مذهبی یا هر چیزی که منجر به برانگیختن حس تبعیض نژادی گردد جایز نیست). همچنین در ماده (۳) بیانیه حقوق بشر اسلامی مصوب ۱۹ سپتامبر ۱۹۸۱ عنوان شد همه مردم در برابر احکام شرع برابر هستند. لازم به ذکر است که دولت ایران برخی از اسناد بین‌المللی را که به نحوی به حقوق اقلیت‌ها و عدم تبعیض در مورد آن‌ها پرداخته‌اند، مورد تصویب قرار داده و به اجرای مفاد آن‌ها متعهد است. از جمله منشور ملل متحد مصوب سال ۱۳۲۴، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۳۵۴، کنوانسیون بین‌المللی رفع تبعیض نژادی مصوب ۱۳۴۷ و... به همین دلیل خوشبختانه در قانون مجازات جدید به این امر توجه شده است؛ بطوریکه در ماده (۵۵۴) قانون مجازات اسلامی مقرر گردید که: (بر اساس نظر حکومتی مقام رهبری، دیه جنایت بر اقلیت‌های دینی شناخته در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌اندازه دیه مسلمان تعیین می‌گردد)؛ اما بدیهی است هم‌اکنون نیز مشکل در مورد افرادی غیر از پیروان اقلیت‌های دینی شناخته‌شده در قانون اساسی که گاه پیرو ادیان الهی هستند که در قرآن مجید نیز از آن‌ها یاد شده است یا در مورد افرادی که اساساً دین ندارند ولی شهروند این کشور محسوب می‌شوند یا به‌عنوان جهانگرد یا سرمایه‌گذار پا به این کشور می‌گذارند وجود دارد.

۱-۱-۲ قصاص

در قانون سابق به مسئله قتل کافر توسط مسلمان اشاره‌ای نشده بود و آن را به سکوت برگزار کرده بود، بنابراین در مورد قتل کافر توسط مسلمان ملاک عمل اجماع فقه‌های مسلمین بود. بطوریکه اگر مسلمانی اقدام به قتل کافر ذمی می‌نمود، مطابق قول مشهور می‌بایست دیه او را بپردازد؛ اما خوشبختانه در قانون جدید این مسئله رفع شده است.

ماده (۳۸۲) قانون مذکور در این خصوص مقرر می‌دارد: (هرگاه زن مسلمانی عمداً کشته شود حق قصاص ثابت است لکن اگر قاتل، مرد مسلمان باشد، ولی دم باید قبل از قصاص نصف دیه کامل را به او بپردازد و اگر قاتل، مرد غیرمسلمان باشد، بدون پرداخت چیزی قصاص می‌شود). در قصاص مرد غیرمسلمان به سبب قتل زن غیرمسلمان، پرداخت مابه‌التفاوت دیه آن‌ها لازم است. برخی از فقها اعتقاد دارند اگر امر دایر شود بین اجرای حکم به کیفیت منصوص و وهن اسلام و مسلمین و تبلیغ علیه اسلام، اصل حکم قابل‌تغییر نیست اما ولی امر مسلمین به دلیل اهم و مهم می‌تواند برای مواردی خاص یا در برهه زمانی موقت در تغییر شکل اجازه عمل

بدهد که حکم خدا را هیچ کس نمی‌تواند تغییر دهد اما ولی امر در اجرا برابر مصلحت اعلیٰ به طور موقت می‌تواند متوقف نموده یا اجازه اجرا به شکل دیگری بدهد. در صورتی که مقتول مسلمان باشد طبق تبصره ماده (۳۰۱) قاتل چه مسلمان باشد و چه کافر قصاص می‌شود. همچنین در صورتی که مقتول کافر ذمی باشد و قاتل کافر باشد طبق ماده (۳۱۰) قانون مجازات عمل می‌شود. به موجب این ماده: (هرگاه غیرمسلمان مرتکب جنایت عمدی بر مسلمان، ذمی، مستأمن و معاهد شود، حق قصاص ثابت است. در این امر تفاوتی میان ادیان، فرقه‌ها و گرایش فکری نیست و...) اما اگر قاتل مسلمان باشد و بر غیرمسلمانی که ذمی و مستأمن و معاهد نیست جنایتی وارد کند قصاص نمی‌شود. به موجب قسمت آخر ماده (۳۱۰) قانون مذکور: (اگر مسلمان، ذمی، مستأمن و معاهد بر غیرمسلمانی که ذمی، مستأمن و معاهد نیست جنایتی وارد کند، قصاص نمی‌شود. در این صورت مرتکب به مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم (تعزیرات) محکوم می‌شود).

باید توجه داشت که اصل چهارم قانون اساسی و اصول متعدد دیگر نیز به تصویب قوانین بر اساس موازین اسلامی و اجرای قوانین و حدود و تعزیرات اسلامی تأکید دارند و همان طور که می‌دانیم در مقررات رایج فقه اسلامی تفاوت‌هایی بین مسلمان و غیرمسلمان وجود دارد که به نحوی در قوانین موضوعه ایران نیز انعکاس یافته است. چنانکه مثلاً طبق ماده (۸۸۱) مکرر قانون مدنی علاوه به اینکه کافر از مسلمان ارث نمی‌برد، اگر بین ورثه کافری، مسلمانی باشد وراثت کافر ارث نمی‌برند. اگرچه از لحاظ طبقه و درجه مقدم بر مسلمان باشند. همچنین طبق ماده (۲۲۴) حد زناى مرد غیرمسلمان با زن مسلمان اعدام زانی است؛ بنابراین اگر غیرمسلمانی با زن مسلمان زنا کند، مجازاتش اعدام است، اما زناى مرد مسلمان با زن غیرمسلمان این حکم را نخواهد داشت.

۱-۱-۳ شرب خمر

در مواردی اگر امری وفق مذهب مزبور جرم نباشد مقررات جزایی قانون مجازات اسلامی در مورد آنان اجرا نمی‌شود. مثلاً این که طبق مواد (۲۶۵) و (۲۶۶) خوردن شراب جرم و مستوجب هشتاد تازیانه است. ماده (۲۶۶) بیان می‌دارد: (غیرمسلمان فقط در صورت تظاهر مجازات می‌شود و گرنه مجازاتی ندارد). همچنین طبق تبصره ماده (۲۶۶): (اگر مصرف مسکر توسط غیرمسلمان علنی نباشد لکن مرتکب در حال مستی در معابر یا اماکن عمومی ظاهر شود به مجازات مقرر برای تظاهر به عمل حرام محکوم می‌گردد).

۱-۲ مقررات اداری پیچیده

یکی از مواردی که باعث سرخوردگی و عدم امنیت روانی سرمایه‌گذار می‌شود، مقررات اداری پیچیده و طی کردن مراحل اداری زیاد چه در هنگام ورود سرمایه و چه هنگام اجرای

برنامه است. در کشور ما به دلایل ناشی از اقتصاد دولتی، حجم عملیات بوروکراتیک در جذب و به‌کارگیری سرمایه بالاست. در شرایط کنونی به‌ظاهر در کشور ما یک مرکز و دستگاه برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی وجود دارد. اما این مرکز در بسیاری از موارد قدرت لازم و امکان تصمیم‌گیری در زمینه متغیرهای موردنظر سرمایه‌گذاران خارجی نظیر مالیات، موانع تجاری، تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای و ... را ندارد. یکی از مشکلات پیش روی سرمایه‌گذاران خارجی در ایران عدم هماهنگی نهادهای اداری مرتبط با سرمایه‌گذاران خارجی است. از آنجایی که هریک از وزارتخانه‌ها اهداف سازمانی خود را در ایران تعقیب می‌کنند و هریک از آن‌ها نسبت به اهداف خود مسئولیت دارند براین اساس سرمایه‌گذار خارجی در تعقیب اهداف خود در ایران عملاً با تضاد اهداف وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها روبرو می‌شود. در حال حاضر تشکیلات و نهادهایی که در ارتباط با بخش اقتصاد در کشور فعالیت می‌کنند مجموعه منسجم و یکپارچه‌ای نیستند، بطوریکه بر اساس برآوردهای انجام‌شده بیش از ۵۰ نهاد دولتی با درجات مختلفی از فعالیت در امور اقتصادی، نظیر برنامه‌ریزی، نظارت، اجرا و تولید آمار و اطلاعات درگیرند. فقدان استراتژی و نقشه جامع سرمایه‌گذاری در امر هدایت سرمایه‌گذاران منجر به یکی از معضلات اساسی اقتصاد کشور که همان رشد بی‌رویه بخش خدمات و فعالیت‌های غیر مولد به اشکال گوناگون، شده است. از عوامل اصلی بروز این امر، سودآوری بیشتر بخش خدمات در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی است، که موجب پایین بودن هزینه فرصت سرمایه‌گذاری در بخش‌های غیرمولد شده است. (امام، ۱۳۷۳، ص ۳۴)

۱-۳ ضعف خصوصی سازی

علت عدم موفقیت سیاست خصوصی‌سازی را در چند علت عمده باید بیان داشت، اصل (۴۴) قانون اساسی که اقتصاد ایران را به ۳ بخش خصوصی، دولتی و تعاونی تقسیم کرده است باعث گردیده که اساساً تصدی‌گری و برخورداری دولت در امور اقتصادی کاملاً منطقی و قانونی باشد، با توجه به این اصل دولت، مسئولیت بسیاری از کارهای اقتصادی را در اختیار خود دارد چراکه مالکیت صنایع بزرگ، مادر، بانکداری و بیمه به عهده دولت است و بخش خصوصی در زمینه فعالیت در این بخش‌ها با محدودیت مواجه است. در قوانین ما قانون‌گذار اولویت در مالکیت را برای بخش‌های دولتی قائل شده است و بخش خصوصی را صرفاً در محدوده و مکمل این بخش‌ها به رسمیت می‌شناسد. در رابطه با ضعف حقوق مالکیت بخش خصوصی در ایران باید گفت که علی‌رغم وجود مبانی دینی و فقهی در رابطه با حمایت از مالکیت خصوصی و انعکاس آن در بعضی از اصول قانون اساسی، در عمل ما شاهد گسترش بخش خصوصی براساس احترام به مالکیت خصوصی در ایران نبوده‌ایم، بطوریکه بخش خصوصی کنونی فعال ایران به‌نوعی وابسته به گروه‌ها و کانون‌های غیررسمی بانفوذ بوده و این بخش تلاش کرده

است از شکل‌گیری بخش خصوصی مستقل و مولد جلوگیری کند. در چنین فضایی که بخش خصوصی مستقل به دلیل ناتوانی از رقابت با بخش‌های دولتی و خصوصی رانتی از فعالیت بازمی‌ماند، روشن است که سرمایه‌گذار خصوصی خارجی تمایلی به حضور در چنین فضایی را نخواهد داشت. به‌عنوان مثال صاحب‌نظری در همین راستا بعد از فروش سهام شرکت مخابرات ایران به کنسرسیوم اعتماد مبین (به‌عنوان یک نهاد وابسته به دولت) اظهار می‌دارد، بسیاری از سرمایه‌گذاران خارجی تمایل به سرمایه‌گذاری در صنعت مخابرات کشورمان دارند اما متأسفانه فضای سرمایه‌گذاری در کشور مهیا نیست. سرمایه‌گذاران به‌رغم تمایل حاضر به سرمایه‌گذاری در بخش مخابرات نشدند چراکه فضای موجود در کشور ما ضد سرمایه‌گذاری است و هر زمان یک سرمایه‌گذاری بزرگ از طرف بخش خصوصی در شرف انجام بود، یک سونامی منفی گریبان آن را گرفت؛ تجربه حضور بخش خصوصی در واگذاری‌های گذشته مؤید این ادعا است. نبود فرهنگ سرمایه‌گذاری، سدی مقابل بخش خصوصی است. درحالی‌که فضا باید به‌گونه‌ای باشد که بخش خصوصی با تمایل، در رقابت و واگذاری‌ها ورود یابد که این موضوع در مورد سرمایه‌گذاران خارجی نیز صدق می‌کند. (Lambert , 2003, p: 161)

سرمایه‌گذاران خارجی، در صورتی در خرید بلوک‌های مدیریتی شرکت‌های مشمول اصل (۴۴) مشارکت خواهند کرد که یک بخش خصوصی قدرتمند نیز در آن حضور یابد درحالی‌که عمده خریداران بلوک‌های مدیریتی، نهادهای شبه‌دولتی بوده‌اند. این در حالی است که حضور بخش خصوصی، اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی را جلب خواهد کرد. (شایان آریانی، ۱۳۸۸، ص ۱) هرچند که در دهه اخیر مبنای دولت تشویق به خصوصی‌سازی است، اما عدم ثبات اقتصادی، رقابت دولت با بخش خصوصی و سازوکارهای سیاسی گروه‌های مؤثر بر اقتصاد کشور، هیچ‌گاه مالکیت خصوصی در کشورمان از نوع امن و پایدار به وجود نیامده است، در نتیجه چنین فقدانی همواره در ایران پروژه‌های خصوصی به شکست جدی برخورد می‌کند. همچنین دولتی بودن قسمت اعظم اقتصاد ایران باعث شده که زمینه‌های بروز مفاسد اقتصادی مهیا گردد و دولت عملاً به‌عنوان رقیب بخش خصوصی ظاهر شود. شکست‌های جدی دولت در امر خصوصی‌سازی طی برنامه‌های توسعه کشور و عدم تحقق باورهای خوش صاحب‌نظران سبب شده است که مدیران دولتی در مسیر خصوصی‌سازی به دلیل همین تنگناها، مقاومت کنند. لذا در بخش خصوصی این احساس به وجود آمده که همواره یک رقیب قدرتمند که صاحب اختیارات و اقتدار وسیع است، در مقابل او قرار دارد و می‌تواند با او به‌صورت ناسالم رقابت کند. بعضی از آمارها حکایت از آن دارد که سوددهی سرمایه‌های دولتی بسیار اندک است و به‌هیچ‌وجه قابل‌رقابت با سود بانکی نیست و به‌طریق اولی قابل‌مقایسه با سودآوری فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی نیست. در حقیقت بزرگ بودن دولت موجب ضعیف شدن سیاست‌گذاری، ایفای وظایف حکومتی،

اعمال نظارت مؤثر و افزایش فساد می‌شود. به طوری که این ضعف باعث می‌شود که چشم‌انداز آینده سرمایه‌گذاری در کشور برای سرمایه‌گذار نامشخص و مبهم شود و او نتواند تصمیمات درستی اتخاذ کند. حتی اگر یک سرمایه‌گذار با پذیرش تمام این ریسک‌ها اقدام به سرمایه‌گذاری در یک بخش مولد کرده و فعالیت موفق در این زمینه شروع کند، به دلیل ضعف سیاست‌گذاری دولت در حمایت از تولید و متزلزل بودن این سیاست‌گذاری‌ها و محترم شمرده نشدن قراردادهای در نهایت سرمایه‌گذار بعد از مدتی محکوم به ورشکستگی می‌شود؛ بنابراین تا زمانی که دولت در بخش اقتصادی ایجاد انحصار کند، این امر باعث می‌گردد که سرمایه‌گذار خارجی که در همان بخش فعال است به دلیل عدم امکان رقابت قادر به ادامه فعالیت نباشد و از سرمایه خود محروم شود. این وضعیت غالباً از جانب سرمایه‌گذاران معادل سلب مالکیت تلقی می‌شود که از مهمترین عوامل عدم امنیت روانی سرمایه‌گذاران خارجی محسوب می‌شود. (زهی، علی پور، غفارپور، ۱۳۸۴، ص ۱۲)

۲- تأمین امنیت روانی سرمایه‌گذاران خارجی

وجود فضای رقابتی در خصوص جذب سرمایه‌گذاری خارجی ایجاب می‌نماید در تعریف مؤلفه‌های حمایتی در منطقه آزاد تجاری حرکت روبه‌جلو و ابداعی داشته باشیم. این بدان معنی است که کشور ما در صورتی که تمایل به جذب سرمایه‌های خارجی بیشتری نسبت به کشورهای رقیب دارد، باید در خصوص شاخصه‌های حمایتی در مناطق مذکور مشوق‌های بیشتر و نافذتری را بکار گیرد و همچنین به موضوع ثبات در این خصوص نیز توجه داشته باشد زیرا شفافیت مؤلفه‌های حمایتی زمینه‌های افزایش و ضریب امنیت سرمایه‌گذاری را تسهیل خواهد نمود؛ بنابراین در این زمینه راهکارهایی پیشنهاد می‌شود:

- زمین: در حوزه مناطق آزاد موضوع واگذاری زمین آماده در محیط مناسب از نظر دسترسی به امور زیربنایی و حامل‌های انرژی یک عنصر حمایتی تلقی می‌شود. همچنین اعمال تخفیف در قیمت زمین و تقسیم مبلغ نهایی از دیگر مشوق‌ها به شمار می‌روند. در واقع تعریف شفاف و صریح موضوع فرآیند واگذاری زمین و ثبات در رویه‌ها عنصری تأثیرگذار در جذب سرمایه‌گذار بشمار می‌رود.

- تردد اتباع خارجی: تسهیل در فرآیند تردد اتباع خارجی اعم از صدور ویزا، وجود خطوط هوایی منظم، امکانات استفاده از کارت‌های مالی بین‌المللی و ... مواردی هستند که تأثیر بسیار زیادی در ایجاد امنیت روانی سرمایه‌گذار خواهند داشت.

- معافیت‌های مالیاتی: یکی از مهم‌ترین مزایای شناخته‌شده مناطق آزاد که دلیل محکمی برای حضور سرمایه‌گذاران در مناطق آزاد شمرده می‌شود، عامل معافیت‌های مالیاتی است. کشورهای توسعه‌یافته بیشتر درآمدهای خود را از ناحیه اخذ مالیات بر درآمد و مالیات‌های

مستقیم کسب می‌کنند. در نتیجه بسیاری از فعالان اقتصادی برای فرار چنین شرایطی، برنامه‌های توسعه‌ای خود را در محیط مناطق آزاد بین‌المللی که در آن‌ها معافیت‌های گسترده مالیاتی تعریف شده است به اجرا درمی‌آورند. البته بازه زمانی تداوم معافیت‌های مالیاتی نکته بسیار مهم در این خصوص به شمار می‌آید. بطوریکه در کشور ما این بازه ۱۵ سال از زمان آغاز فعالیت در نظر گرفته شده بود که اخیراً ۱۵ سال دیگر تمدید شده است. در همین زمان در مناطق آزاد کشورهای رقیب معافیت مالیاتی بعضاً در بازه‌های زمانی ۵۰ سال به شرط تمدید ۵۰ سال اضافه به عنوان مزیت منحصربه‌فرد در اختیار سرمایه‌گذاران قرار داده می‌شود.

- نیروی کار ارزان؛ وجود نیروی کار اعم از ماهر، متخصص و عادی عامل تأثیرگذاری در کاهش قیمت تمام‌شده کالا و رشد سودآوری فعالیت‌های اقتصادی است.

(Weaver, 2000, p: 14)

- امنیت فیزیکی: یکی از مهم‌ترین انتظاراتی که سرمایه‌گذار خارجی در قبال حضور فیزیکی خود در محیط مدنظر ما دارد تأمین امنیت جانی است. بدیهی است محیطی که نتوان امنیت فیزیکی سرمایه‌گذار خارجی را در آن تأمین نمود به هیچ‌وجه جذاب نیست، بنابراین تأمین امنیت جانی سرمایه‌گذار یک پیش‌نیاز لازم است که باید حتماً به آن توجه شود. بروز حوادثی همچون آدم‌ربایی، ضرب و جرح و دزدی مانع حضور سرمایه‌گذار و شکست برنامه‌های جذب سرمایه‌گذاری می‌شود. (ساعی، ۱۳۹۴، ص ۲۶)

- ایجاد تسهیلات زیربنایی: پرواضح است که محیط‌های جغرافیایی مستعد بروز بلایای طبیعی مانند سیل، زلزله، طوفان و مناطق مستعد شیوع بیماری‌های خاص مکان‌هایی امن و جذاب برای حضور و فعالیت سرمایه‌گذار خارجی نیست؛ بنابراین دولت باید زیرساخت‌های مناسب در این زمینه را فراهم کند. توسعه زیرساخت‌ها نظیر راه‌ها، بزرگراه‌ها، راه‌آهن و بندرها، سدشکن‌ها، رعایت اصول و ضوابط مهندسی در احداث پل‌ها و ساختمان‌ها مطابق استاندارد، ایجاد مدیریت بحران قوی و همچنین تأمین جانی در برابر زیان‌های احتمالی ضروری است؛ و البته اتصال به شبکه‌های ملی و بین‌المللی ریلی و جاده‌ای عنصری بسیار تأثیرگذار در تأمین نیازهای اولیه سرمایه‌گذاران است؛ بنابراین لزوم توجه ویژه به مناطق آزاد به عنوان محدوده‌های جغرافیایی کنترل شده و مستعدترین فضاهای جذب سرمایه‌گذاری خارجی، کاملاً ضروری به نظر می‌رسد. مطالعه دلایل رشد بالای اقتصادی در برخی کشورهای در حال توسعه به ویژه در دهه‌های گذشته نقش بسیار فعال و تأثیرگذار مناطق آزاد را آشکار می‌سازد. (عرفانی، ۱۳۹۱، ص ۲۰۴-

۲-۱ ایجاد فضای باز رقابتی

در اقتصاد دولتی افراد و گروه‌های متنفذ با استفاده از اقتدار خود دولت را مجبور به حمایت از پاره‌ای بنگاه‌ها و شرکت‌ها می‌نمایند و این حمایت‌ها غالباً در قالب حمایت از توسعه و تولید داخلی مطرح می‌گردد، در بسیاری از موارد سیاست‌های حمایتی زمینه ایجاد محدودیت‌های وارداتی یا اعطای یارانه و یا معافیت‌های مالیاتی را ایجاد می‌کنند که در واقع نه براساس حمایت از تولید داخلی و ایجاد اشتغال و گسترش بهره‌وری بلکه براساس انحصار دولتی صورت می‌پذیرد که خود منجر به برقراری روابط حامی پروری در جامعه ایران می‌شود. این سیاست‌ها با توجه به انحصار منابع اقتصادی در دست دولت، عدم قدرت رقابت بخش خصوصی با بخش دولتی مانع از آن می‌شود که بخش خصوصی داخلی و سرمایه‌گذاران خارجی تمایلی به ورود پاره‌ای از عرصه‌های تولید در کشور از خود نشان دهند چراکه وجود گروه‌های متنفذ سیاسی و اقتصادی غیررسمی و انحصار پاره‌ای زمینه‌های سرمایه‌گذاری و تولید براساس انتفاع از منابع رانتی در اختیار این گروه‌ها قرار دارد، بنابراین لزوم رهاسازی اقتصاد از سیاست‌های حمایتی لازمه ایجاد بازار رقابتی در بستر سرمایه‌گذاری خارجی است.

عمدتاً شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی با بررسی هزینه‌های فساد مالی و انحصارطلبی به این استنباط می‌رسند که پرداخت این هزینه‌ها موجب افزایش هزینه تولید و کاهش سوددهی آن‌ها خواهد شد. براساس این محاسبات غالباً سرمایه‌گذاران خارجی ترجیح می‌دهند وارد محیطی که فضای مساعدی از نقطه نظر رقابتی ندارند، نشوند؛ بنابراین لازم است اگر ایران تمایل به جذب سرمایه‌گذاری خارجی دارد اقدامات پیگیری در مسیر ایجاد فضای بازار رقابتی در کشور به انجام برساند. در همین راستا باید در جهت هماهنگ کردن محصولات تولیدشده با فناوری روز جهت افزایش قدرت رقابتی اقدام گردد و حدود فعالیت‌های دولت و نحوه آن مشخص شده و نقش دولت بیشتر محدود به نقش ارشادی و هدایتی و ارائه‌دهنده خدمات به بخش خصوصی باشد. درنهایت گسترش خصوصی‌سازی و ایجاد بازار رقابتی و کاهش تصدی‌گری دولت بر امور اقتصادی می‌تواند باعث کاهش فساد مالی در کشور و فضای مساعدی از نقطه نظر اقتصادی نیز شود. (Johnson, Christopher 2002, 92)

سرمایه‌گذاری خارجی در معنی و مفهوم حقیقی خود، زمانی عینیت می‌یابد که بستری مناسب برای فعالیت بخش خصوصی وجود داشته باشد، به عبارت دیگر یکی از عوامل اصلی موفقیت پروژه‌های سرمایه‌گذاری در سطح بین‌المللی وجود بخش خصوصی پویا و کارآمد در کشور سرمایه‌پذیر است. در سرمایه‌گذاری‌های خارجی، بخش خصوصی کشور سرمایه‌پذیر از طریق مشارکت با شرکت‌های خارجی و اجرای پروژه‌های زیربنایی، اهداف دولت از سرمایه‌گذاری خارجی را تحقق می‌بخشد و با گذار از این مرحله و کسب تجربه‌ها و دانش لازم و

ورود به سرمایه‌گذاری داخلی، بخش خصوصی خود رأساً اقدام به سرمایه‌گذاری و همکاری با بخش دولتی خواهد کرد، از این رو صرف جذب سرمایه‌های خارجی و عدم توجه به سایر الزامات پروژه‌های سرمایه‌گذاری به انتقال فناوری، دانش فنی و مدیریتی، ایجاد اشتغال، تقویت بخش خصوصی، رشد و توسعه اقتصادی منتهی نمی‌شود. به نظر می‌رسد وجود بخش خصوصی توانمند در ایران عامل محرکی مناسب و درخور برای تحقق سرمایه‌گذاری خارجی خواهد بود، وانگهی تقویت بخش خصوصی، خود نیازمند ایجاد بستر و ساختاری مناسب با اقتضای فعالیت این بخش و شرایط حاکم بر کشور میزبان سرمایه است. بدین لحاظ به نظر می‌رسد که ارتباط مستقیمی بین سرمایه‌گذاری خارجی و سرمایه‌گذاری داخلی وجود دارد و این تفکر که می‌توان از طریق جلب سرمایه‌گذاری خارجی خلأ سرمایه‌گذاری داخلی را پوشش داد، خیال و توهمی بیش نیست. (صالحی امیری، ۱۳۸۷، ص ۲۹)

با نگاهی به تجربیات کشورهایی که با دستیابی به توسعه پایدار، بر سایر کشورها توفیق اقتصادی یافته‌اند، می‌توان دریافت سرمایه‌گذاری خارجی نه به‌عنوان هدف که به‌مثابه مقدمه و وسیله‌ای برای دستیابی به هدفی عالی مورد توجه قرار گرفته است. کارکرد اصلی سرمایه‌گذاری خارجی در این کشورها بسترسازی برای رشد و شکوفایی بخش خصوصی و بین‌المللی کردن شرکت‌های داخلی بوده است. وانگهی فراهم نبودن زمینه‌های مقتضی برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی دولت میزبان، از نقطه نظر شرکت‌های خارجی به‌عنوان معیار و ملاکی مؤثر بر عدم امکان سرمایه‌گذاری خارجی در کشور سرمایه پذیر محسوب می‌شود، از این رو به نظر می‌رسد ایجاد بسترهای مناسب برای فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی در کشور، کارکردی دوگانه دارد، به نحوی که پیش از تحقق سرمایه‌گذاری خارجی و استقرار سرمایه، این امر از سوی شرکت‌های خارجی به‌عنوان معیاری برای امکان‌سنجی سرمایه‌گذاری خارجی محسوب می‌شود و پس از تحقق سرمایه‌گذاری خارجی نیز تحقق اهداف سرمایه‌گذاری برای دولت میزبان و تقویت سرمایه‌گذاری داخلی را به همراه خواهد داشت. (حاتمی، کریمیان، ۱۳۹۴، صص ۸-۹)

با روشن شدن تأثیر فعالیت بخش خصوصی داخلی در تحقق سرمایه‌گذاری خارجی و وابستگی میان این دو، ضروری است در بدو امر به ایجاد بسترهای مناسب برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی پرداخت تا در پی تحقق این امر، سرمایه‌گذاری خارجی تسهیل شده و اهداف دولت از جذب سرمایه‌های خارجی عینیت یابد، چنین بستری محقق نخواهد شد مگر با آزادسازی اقتصادی و تجاری امری که در کشور ما با وجود تصویب مقررات و تلاش‌های صورت گرفته، به دلیل نفوذ و کنترل دولت بر بخش‌های عمده اقتصاد، تاکنون در معنای واقعی خود به منصفه ظهور نرسیده است.

آزادسازی تجاری که به معنای حرکت به سمت تجارت آزاد از طریق حذف کنترل‌های

دولت از بازارهای مالی، کالا، خدمات، کار و بخش خارجی و واگذاری آن به مکانیسم‌های بازار است، نقش دولت را در تجارت کاهش می‌دهد و مهم‌ترین نیروی پیش برنده جهانی شدن نیز محسوب می‌شود، (شکیبایی، ۱۳۷۲، ص ۱) به عبارت دیگر آزادسازی به معنای حذف مداخله دولت در بازارهای مالی، بازار سرمایه و رفع موانع تجاری است.

آزادسازی تجارت که کاهش و حذف تعرفه‌ها و دیگر ابزارهای حمایتی از بنگاه‌های اقتصادی را در پی دارد، الحاق به سازمان جهانی تجارت را تسهیل کرده و موجب کوچک شدن دولت، افزایش رقابت بین شرکت‌ها و مراودات بازرگانی بین‌المللی، رشد جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و درنهایت تشویق سرمایه‌گذار خارجی به سرمایه‌گذاری در ایران می‌شود. در کشوری همچون ایران که نقش دولت در عرصه‌های مختلف اقتصاد و تجارت، گسترده و پررنگ است، آزادسازی تجاری و کوچک کردن حجم دولت و واگذاری فعالیت‌های غیر حاکمیتی به بخش خصوصی، از جمله شاخص‌های اساسی رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از بعد روانی محسوب می‌شوند.

۲-۲ اصول اخلاقی

تاکید عمده در این مقاله مطالعه و ارزیابی احساس امنیت حقوقی سرمایه‌گذاران و تأثیر اصول اخلاقی بر آن است. اساس سرمایه‌گذاری و رونق اقتصادی در هر کشور و منطقه ای ارتباط تنگاتنگی با امنیت و ثبات آن منطقه دارد. سرمایه‌گذاران ترجیح می‌دهند در جایی سرمایه‌گذاری کنند که امنیت خاطر جانی و مالی برای سرمایه‌گذاری و برگشت سود خود داشته باشند، بنابراین ایجاد امنیت و احساس امنیت برای سرمایه‌گذار و سرمایه‌گذاری از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. اثر اصول اخلاقی بر احساس امنیت روانی سرمایه‌گذاران بیانگر آن است که برای دستیابی به سطح قابل قبول سرمایه‌گذاری و از طریق آن رشد اقتصادی بهتر، توجه به امنیت روانی سرمایه‌گذاری یک ضرورت جدی است. به عبارتی دیگر امنیت سرمایه‌گذاری زمانی در ایران وجود خواهد داشت که مؤسسات خارجی و سرمایه‌گذاران حضور امنیت در ایران را تأیید کنند و عناصر برهم زننده امنیت در منطقه از میان برود و اصول اخلاقی اجرا گردد. (Poirson, 1998 , p/98/4)

مفهوم اصول اخلاقی همچون سایر مفاهیم در حوزه علوم اجتماعی حالت گسترده ای دارد و روی نقطه خاصی متمرکز نیست. به همین جهت ارائه نظریات کلی و کالبد شکافی مفهوم اصول اخلاقی به تنهایی کافی نیست و بررسی مفهوم اخلاق نیازمند تجدید آن به حوزه خاصی از شرایط واقعی است که برای این منظور خانواده در نظر گرفته شده،^۱ حسین زاده بحرینی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۰

به طور کلی امنیت اخلاقی به قلمروهایی از حفظ حریم فرد مربوط می‌شود که به نحوی در ارتباط با دیگر افراد جامعه هستند و به نظام سیاسی و دولت مربوط می‌شود. این قلمروها می‌توانند زبان، نژاد، قومیت، اعتبار، نقش اجتماعی، کار، درآمد، رفاه، مشارکت سیاسی، آزادی، اعتقاد و... باشند (حامی نوری، ۱۳۸۹، ص ۵۱)

احساس امنیت، حاصل اعتماد به تعاریفی از زندگی است که هویت و هستی انسان بر مبنای آن سامان می‌گیرد، احساس امنیت دارای ویژگی‌های به شرح زیر می‌باشد: احساس امنیت روانی است:

احساس امنیت به خودی خود قابل تعریف نیست و بر مبنای بود و نبود خطر، قابلیت تعریف می‌یابد.

احساس امنیت یک فرایند است، در طول زمان جریان دارد و در هر لحظه بر اساس برآورد خطر تغییر می‌پذیرد. این وجه (امنیت روانی) مهم‌تر از جنبه عینی آن است. احساس امنیت ضمن اطمینان به شناخت‌ها، هستی‌شناختی فرد را سامان می‌بخشد و پایه و بنیان وجود آدمی را در می‌نوردد. (رهبر، مظفری خامنه، محمدی (۱۳۸۶)، ص ۱۲۵)

مسئله بسیار مهمی که در صنعت سرمایه‌گذاری وجود دارد احساس ترس از حوادث و وقایعی است که تحت عنوان جرم ممکن است علیه سرمایه‌گذار اتفاق افتد و بار روانی بسیار بالایی را برای آن‌ها داشته باشد؛ علت اصلی احساس ترس و نداشتن امنیت در نزد سرمایه‌گذاران ممکن است به دلیل حوادث و اتفاق‌های گذشته در آن مکان باشد. که این مسئله همیشه در ذهن سرمایه‌گذار باقی خواهد ماند که در این مکان و در چه سالی اتفاق‌ها و ناامنی علیه سرمایه‌گذار اتفاق افتاده است. امروزه مهمترین عاملی که بر روی امنیت روانی سرمایه‌گذاران خارجی تأثیرگذار بوده، فعالیت‌ها، تبلیغات رسانه‌ها و شبکه‌های بین‌المللی است. با توجه به اینکه اکثر این شبکه‌ها در اختیار کشورهای قدرتمند اقتصادی و سیاسی جهان هستند، به راحتی می‌توانند علیه کشورهایی که همگام با سیاست آن‌ها نیستند تبلیغات رسانه‌ای به راه اندازند، به عنوان مثال در بسیاری از شبکه‌های جهانی که وابسته به امریکا و رژیم اشغال‌گر قدس هستند از ایران به عنوان یک کشور ناامن یاد کرد هاند و تبلیغات بسیار وسیعی بر روی عدم وجود امنیت در ایران داشته‌اند، این مسئله ناخودآگاه بر روی ذهن سرمایه‌گذار خارجی تأثیر خواهد گذاشت و بسیاری از آن‌ها تمایل به سرمایه‌گذاری در کشور ایران نخواهند داشت و یا آن را در اولویت‌های آخر قرار می‌دهند. حتی کسانی هم که سرمایه‌گذاری می‌کنند هر لحظه احساس می‌نمایند که ممکن است امنیت جانی و مالی آن‌ها به خطر بیفتد. بنابراین ایجاد امنیت اجتماعی در جذب سرمایه‌گذار خارجی بسیار مهم است (پاشازاده، ۱۳۹۰، ص ۱۶۹)

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

رعایت اصول اخلاقی، انصاف و حق و حقوق افراد منجر به شکل‌گیری محیطی منصفانه و عادلانه از دید سرمایه‌گذاران می‌شود. از این رو می‌توان گفت که ادراکات افراد از رعایت عدالت بر رضایتمندی آن‌ها مؤثر است. فعالیت در محیط منصفانه و عادلانه، سبب شکل‌گیری احساس رضایت و خشنودی و ارتقای امنیت حقوقی می‌شود. ایجاد و فراهم آوردن یک سیستم ارتباطی و اطلاعاتی کارآمد و شفاف، موجب جذب سرمایه‌گذاران و ایجاد اطمینان و امنیت در آن‌ها می‌شود. در برخورد با سرمایه‌گذاران در سازمان‌ها و نهادها، حداقل قواعدی نظیر همسانی، ادب، تصحیح‌پذیری، توضیح و آگاهی‌بخشی را به اشکال مختلف به نمایش بگذارند. هر چه قدر سرمایه‌گذاران احساس کنند در برخورد با آن‌ها عدم شفافیت وجود دارد و مخفی‌کاری، عدم ارتباط صریح و روشن از سوی افراد و نهادهای زیربط مشاهده می‌گردد، مسلماً سرمایه‌گذار در چنین محیطی امنیت روانیاز لحاظ اصول اخلاقی نخواهد داشت. درنهایت عدم امنیت روانی و حقوقی باعث ترس و هراس سرمایه‌گذاران خارجی از ورود سرمایه به کشور می‌شود؛ بنابراین رفع این موانع سرمایه‌گذاری خارجی و مدیریت آن توسط حقوقدانان و روانشناسان می‌تواند تا اندازه زیادی اقتصاد کشورمان را از منابع خارجی و پیامدهای مطلوب آن بهره‌مند کند؛ لذا توصیه می‌شود از چنین رفتارهایی مغایر با اصول اخلاقی پرهیز گردد. در مجموع باید گفت امنیت حقوقی سرمایه‌گذاران مستلزم رعایت اصول اخلاقی حرفه‌ای، وجود محیطی منصفانه و عادلانه، حمایت‌های قانونی و سهولت دسترسی به منابع اطلاعاتی و تسهیلاتی است.

فهرست منابع

- ۱- امام، فرهاد، (۱۳۷۳)، حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، تهران، یلدا
- ۲- پاشازاده، مسعود (۱۳۹۰)، بررسی تأثیر امنیت روانی بر سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران، فصلنامه پژوهش‌های رشد توسعه اقتصادی، شماره دوم، صص ۱۸۷-۱۶۲
- ۳- حاتمی، علی، کریمیان، اسماعیل (۱۳۹۴)، حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در پرتو قانون و قراردادهای سرمایه‌گذاری، تهران، انتشارات تیسرا، چاپ دوم
- ۴- حامی نوری، غلامرضا (۱۳۸۹) امنیت سرمایه‌گذاری در سایه مقررات، فصلنامه علمی تخصصی علامه، سال دهم، شماره ۲۴، بهار و تابستان، صص ۵۸-۳۹
- ۵- حسین زاده بحرینی، محمدحسین (۱۳۸۴) عوامل مؤثر بر امنیت اجتماعی سرمایه‌گذاری در ایران، مجله جستارهای اقتصادی، شماره دوم، صص ۱۵۳-۱۰۹
- ۶- حیدری پور، رضوان (۱۳۹۱) بررسی رابطه عدالت سازمانی و توانمندسازی روانشناختی، مجله مدیریت فرهنگی سازمانی، دوره دهم، شماره اول، صص ۲۰۱-۱۷۵
- ۷- رهبر، فرهاد، مظفری خامنه، فرشید، محمدی، شاپور (۱۳۸۶)، موانع سرمایه‌گذاری خارجی و تأثیر آن بر رشد اقتصادی در ایران، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۸۱، صص ۱۳۸-۱۱۱
- ۸- زهی، نقی، علی پور، رضا، غفارپور، داوود (۱۳۸۴)، سرمایه‌گذاری و روش‌های تأمین منابع مالی خارجی، تبریز، نشر معاونت اقتصادی سازمان امور اقتصادی و دارایی آذربایجان شرقی
- ۹- ساعی، احمد، (۱۳۹۴)، مسائل اقتصادی سیاسی جهان سوم، تهران، نشر سمت، چاپ شانزدهم
- ۱۰- شایان آریانی، شاهین (۱۳۸۸) فضای ضد سرمایه‌گذاری در ایران، مقاله منتشره در روزنامه سرمایه، شماره ۱۱۳۰، ۱۴ مهرماه ۱۳۸۸
- ۱۱- شکیبایی، علیرضا (۱۳۷۲) بررسی تطبیقی آزادسازی تجارت، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی،
- ۱۲- صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۷) بررسی مفهوم عدالت اجتماعی، پژوهش‌کنده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، شماره ۲۶، صص ۳۶-۱۱
- ۱۳- عاملی، حر (۱۳۸۷)، وسایل الشیعه، ج ۲۲، باب ۱۴، از ابواب دیات نفس، پدید آور: محمدرضا ضمیری، قم، موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان
- ۱۴- عرفانی، محمود (۱۳۹۱)، حقوق تجارت تطبیقی، تهران، انتشارات جنگل، جلد ششم
- ۱۵- گرگی، ابوالقاسم، (۱۳۸۰)، واژه دیه در دیات، نشر دانشگاه تهران، صص ۷۸-۷۶
- ۱۶- هاشمی شاهرودی، آیت الله سید محمود، (۱۳۸۰) دیه اهل ذمه و شهروندان غیرمسلمان، فصلنامه تخصصی فقه اهل بیت، سال هفتم، شماره ۲۸

- 17- Johnson , Simon, John, Mc Millan , Christopher, Woold ruff(2002) Property Rights and Finance , American Economic Review, 92(5)
- 18- Lambert , Eric (2003) the impact of organizational Justice on correctional Staff , Journal of Criminal Justic, 31 , pp: 155-168
- 19- Poirson,Helen (1998),Economic Security Private Investment and Growth in Peveloping Countries, IMF Working Paper Wp/98/4
- 20- Weaver.D & Opperman.M (2000) Tourism Management, Johnwiley and sons Australia